

درباره ضرورت اتحاد ملی در حوزه سیاست خارجی

دیپلماسی عمومی کلید قفل دیپلماسی رسمی



رضا رئیس‌ی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

پیشبرد فرآیندهای دیپلماتیک تک‌ساحتی و منوط و مربوط به مذاکرات رسمی، محدود و محصور در کشتگری صرف دیپلمات‌های سیاسی، ایرانی مردان انوکشیده در پشت درهای بسته و اظهارات پشت‌تربیونی نیست، گفتمان‌سازی در عرصه سیاست خارجی و دستاورک‌سازی و شکل‌گیری رهیافت منطبق بر منافع ملی در این عرصه غامض و پیچیده، نیازمند تمهیدات و تدارکات و بسترسازی‌های مختلفی است که کنشگران در لایه‌های مختلف و متکثر می‌بایست بدان اعتنا و التفات داشته و از همه ظرفیت‌های ممکن در این زمینه بهره بگیرند و یک فرآیند جمعی و چندوجهی را شاکله ببخشند.
مجموع این عوامل و تحرکات را در اصطلاح «دیپلماسی عمومی» می‌خوانند. به‌خصوص در عرصه سیاست خارجی مرتبط با کشور ما که پرونده‌های کلان و پیچیده‌ای همواره در طول چند دهه گذشته در متن وطن آن جاری و ساری بوده و تأثیر بسزا و ارگانیکی بر منافع ملی و کبان کشور داشته است و عطف به ژئوپلیتیک خاص منطقه‌ای و موقعیت ژئواستراتژیک ایران در کریدور ارتباطی شرق-غرب و هارتلند انرژی جهان و نیز مانیفست خاص و ایدئولوژی استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی، همواره نگاه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را به سمت‌وسوی ایران جلب و جذب کرده و کشتگری در عرصه سیاست خارجی ایران را شاید متمایز از هر کشور دیگری کرده است و بر حساسیت حضور در این عرصه افزوده است. یک مثال رایج و کلیشه‌ای در حوزه روابط بین‌الملل، آن است که «سیاست خارجی را در تداوم سیاست داخلی» می‌خوانند. نکته آنکه در کشور ما نیز همین رویه حکمفرماست؛ اما از نوعی متفاوت و سوال برانگیز. در کشور ما به‌رغم آنچه از حساسیت کشتگری در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی گفته شد، هیچ‌گاه میان دعواهای طیفی و جناحی با حرکت در مسیر منافع ملی در حوزه سیاست خارجی تفکیک و تمایزی قائل نشده‌ایم و همواره با نگاه‌های تنگ و ترش معطوف به رقابت‌های جناحی و طیفی بدان نگرسته و واکنش نشان داده‌ایم. در کشور ما مهم نیست که تحلیلگر یا کنشگر عرصه دیپلماسی چه عقیده تخصصی یا طرح و ایده‌ای برای حضور در این عرصه دارد و چه حرفی را مطرح می‌کند و چه کارنامه‌ای در این مسیر داشته است، در وهله اولیه و فی‌البداهه به عقیده طیفی و جناحی وی نگریسته می‌شود و عکس‌العمل‌ها در تایید و تکذیب گفتار او عطف به این انگاره و پیش‌فرض جامه عمل می‌پوشد؛ بی آنکه توجه شود حرف و سخن و استراتژی مدنظر و مطرح‌ه آن فرد چیست و به کدام سمت‌وسو احاله می‌دهد. اینگونه می‌شود که ما در طول چند دهه اخیر همواره در حوزه دیپلماسی عمومی دچار ضعف و خلل بوده‌ایم و نتوانسته‌ایم با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه موجود و سرمیه‌های انسانی و فکری خود در حوزه دیپلماسی برای تسهیل در پیشبرد مسائل معطوف به حوزه سیاست خار جی در عرصه بین‌المللی استفاده کنیم و بررונاد مرغوب و با کیفیتی داشته‌باشیم.

در اغلب کشور‌های جهان و به‌خصوص در میان رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی، البته وضعیت متفاوتی برقرار است و آنان برای تأثیر‌گذاری

در حوزه سیاست خارجی خود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی در حوزه روابط بین‌الملل تدابیر و تمهیدات متفاوتی به کار می‌گیرند و برای تسهیل در کارکردهای کارگزاران دستگاه دیپلماسی خود از همه‌پتانسیل‌های موجود بهره گرفته و به‌هم‌افزایی و هم‌نواپی می‌پردازند؛ فارغ از اینکه خط‌بندی‌ها و رویکردها در عرصه رقابت‌های داخلی چیست و کدام سمت‌وسو را دارد. به‌عنوان مثال، کشورهای مختلف برای اثرگذاری در عرصه سیاسی ایالات متحده آمریکا، فارغ از هم‌سویی یا تقابل و تضاد با گفتمان حاکم بر کاخ سفید، با تشکیل لابی و رایزنی در سطوح عمومی دانشگاهی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای خود را از اثرگذاری محروم نمی‌کنند و فارغ از روابط حاکم بر دیپلماسی رسمی، در راستای منافع ملی معطوف به کشور خود، از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی بهره می‌گیرند. یا در وجه دیگر آن، وقتی نظریه‌پردازان و چهره‌های مولف و تجربه‌اندوخته در عرصه سیاست خارجی، گزاره‌ای را مطرح و ایده‌ای را طرح و راهکاری را ارائه می‌دهند، با استقبال از این پیشنهادها و در راستای قوام و استحکام آن برای تبدیل طرح موضوع اولیه به یک پارادایم گفتمانی تلاش و ممارست می‌کنند و از همه ظرفیت‌های ممکن در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای بهره می‌گیرند تا آن طرح و ایده را تبدیل به یک گفتمان نظاممند و قاعده‌مدار کنند و در راستای منافع ملی خود در عرصه دیپلماسی بهره بگیرند. بخش عمده‌ای از پروژه ایران‌هراسی و مسئله‌سازی پیرامون جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل، عطف به همین دست‌خرفان در حوزه دیپلماسی عمومی شکل گرفته و ریل‌گذاری شده است و افکار عمومی در کشورهای غربی را علیه ایران ساماندهی کرده است.

حال در مقابل، هرگاه که چهره‌های برجسته و شناخته‌شده ایرانی در حوزه سیاست خارجی، حرفی می‌زنند و ایده‌ای را مطرح می‌کنند و طرح موضوع در راستای گفتمان‌سازی تازه و ترسیم راهکار‌های نوین و پارادایم‌های متفاوت را مطرح کرده‌اند، واکنش‌ها در داخل به جای هم‌افزایی و هم‌نواپی گفتمان‌سازانه در عرصه سیاست خارجی یا برآمده از رقابت‌های طیفی و جناحی، منفی و کوبنده و مختل‌کننده بوده یا بی‌تفاوت از کنار آن گذشت‌هایم و التفاتی به بهره‌گیری از ظرفیت‌سازی‌ها در این چار‌چوب نداشته‌ایم. بر کسی پوشیده نیست که حوزه سیاست خارجی در کشور ما چه پسندیم و چه نپسندیم، ارتباط ارگانیسک و فراحوزه‌ای با سطوح مختلف و متکثر زیست عمومی و جمعی ایرانیان یافته و اینکه فرض شود این مقوله با تلاش و تمهیدات دیپلمات‌های دستگاه سیاست خارجی و در چار‌چوب‌های کلیشه‌ای قابل حل و رفع و رجوع است، خیال خام و ابتری است. اگر همگان از ارکان حاکمیتی تا کنشگران عمومی بر حفظ اتحاد ملی و همبستگی در عین کثرت تأکید و تصریح دارند، این مهم معطوف به شعار در مانی و سخنوری صرف قابل حصول و نتیجه‌نیست و در عرصه دیپلماسی نیاز به ابتکارات تازه و طرح ایده‌های خلاقانه‌ای دارد که باید افراد و جریان‌های مختلف با هم‌افزایی و در هم‌نواپی با یکدیگر فارغ از تنوع سلایق و رویکردهای سیاسی در راستای منافع ملی آن را قوام و استحکام بخشیده و در سپهر روابط بین‌الملل تبدیل به یک گفتمان موثر و تعیین‌کننده برای اثرگذاری بر فضای حساس و خطیر موجود کنند، چرا که تکیه بر روندهای کلیشه‌ای و مسبوق به سابقه تک‌بعدی نشان داده که پاس‌خگوی شرایط موجود نیست و نمی‌تواند گره‌گشای منافع ملی کشور باشد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

نگاه

کارشناسی

نشست ژنو: وداع با برجام؟



علی آهنگر

نویسنده و پژوهشگر تاریخ

نخستین بار برجام با یک گفت‌وگو در نیویورک آغاز شد؛ وقتی حسن روحانی با تیم سیاست خارجی خود در ۳۱ شهریور ۱۳۹۲ با هدف شرکت در شصت‌وششمین مجمع عمومی سازمان ملل وارد نیویورک شد، روحانی با شعار «سانترفیوز باید بچرخد، اما چرخ اقتصاد هم باید بچرخد» وارد میدان انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری شده بود. مردمی که از سال‌های تحریم و ناامیدی و نشست‌های پرتکرار و بی‌نتیجه سعید جلیلی با ۵۰۱ به‌تنگ آمده بودند، با شور و اشتیاق وارد فضای انتخاباتی شدند. مردم خسته و ناامید، شیوهی «تندبیر و امید» را برگزیدند. سال ۱۳۹۱ بود. جهان پیش چشم ایران و ایرانیان تیره و تار بود. هفت قطعه‌نامه سازمان ملل علیه سیاست و اقتصاد ایران، فضای یأس و ناامیدی

▼ متن پیشنهاد روسی

در متن قطعه‌نامه پیشنهادی روسیه که تصویر آن منتشر شد، آمده است: «شورای امنیت با یادآوری قطعه‌نامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) خود؛ اهمیت یافتن یک راه‌حل دیپلماتیک مذاکره‌شده برای مسائل مربوط به قطعه‌نامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) را تأیید می‌کند؛ ضرورت دادن زمان اضافی برای مذاکرات در این زمینه را تأیید می‌کند؛ ۱. تصمیم می‌گیرد که برای مدت ۶ ماه، تا ۱۸ آوریل ۲۰۲۶، دوره ده‌ساله پس از روز تصویب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در قطعه‌نامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) و الحاقات آن ذکر شده است را، با امکان تمدید بیشتر به‌طور فنی تمدید کند؛ ۲. تصمیم می‌گیرد که برای دوره تمدیدشده در بند ۱ این قطعه‌نامه، هرگونه بررسی اساسی در مورد مسائل مربوط به اجرای قطعه‌نامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) و برجام را معلق کند؛ ۳. از همه طرف‌های اولیه برجام می‌خواهد که فوراً مذاکرات مربوط به مسائل مرتبط با قطعه‌نامه ۲۲۳۱ و برجام را از سر بگیرند.»

▼ ادعای خبرنگار وال استریت ژورنال

پس از انتشار این متن، **لارنس نورمن خبرنگار وال استریت ژورنال**، در شبکه ایکس مدعی شد که به گفته منابع آگاه، سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) به احتمال زیاد پیش‌نویس احتمالی روسیه درباره تمدید قطعه‌نامه ۲۲۳۱ در توافق هسته‌ای غرب با ایران در سال ۲۰۱۵ را رد خواهند کرد. نورمن نوشت که «متن پیشنهادی روسیه بندی دارد که تصریح می‌کند با تمدید قطعه‌نامه، دیگر نمی‌توان در آینده از سازوکار بازگشت خودکار تحریم‌ها (اسنپک) استفاده کرد. گنجاندن ایسن بند در متن می‌تواند اعتماد سه کشور اروپایی به نیت مسکورا از بین ببرد. او بخشی از متن روسیه را چنین نقل کرد: «تصمیم گرفته می‌شود که برای مدت تمدیدشده، هرگونه بررسی

ماهوی درباره اجرای قطعه‌نامه ۲۲۳۱ و برجام

متوقف شود.» به گفته نورمن، چنین عبارتی عملاً فعال‌سازی اسنپک و بحث‌های پیرامون آن را نیز شامل خواهد شد و بنابراین طی دوره تمدید، همه این موارد تعلیق می‌شوند. هرچند وی ادعان می‌کند که تفسیرش ممکن است نادرست باشد و منتظر نظر دیگر کارشناسان است. این خبرنگار آمریکایی امروز در پیامی دیگر مدعی شد که به «او گفته شده به احتمال زیاد سه کشور اروپایی تروئیکای اروپایی طرف برجام و آمریکا این پیش‌نویس را رد خواهند کرد.» نورمن اضافه کرد که «بعید است این پیش‌نویس بتواند در شورای امنیت سازمان ملل ۹ رأی مثبت لازم برای تصویب را به دست آورد و در نتیجه نیازی به وتو هم نخواهد داشت.»

▼ بازگشت قطعه‌نامه‌ها یا تمدید قطعه‌نامه؟

مسائل ایران و اروپا پس از وقوع جنگ در اوکراین و مسائلی که درباره همکاری نظامی ایران و روسیه به میان آمد، بیش از پیش روبه تیرگی گذاشت. در سال ۱۴۰۴ شرایط میان دو طرف تا حدی تاز شده که تحلیلگران از آن به عنوان بدترین شرایط روابط ایران و اروپا نام می‌برند. در چنین شرایطی، تنها موضوع هسته‌ای میان ایران و اروپا مطرح نیست، بلکه پرونده هسته‌ای و مکانیسم بازگشت تحریم‌های بین‌المللی نقش اهرم فشار در میان پرونده‌های مفتوح میان دو طرف را بازی می‌کند. ایران به صورت مستقیم و علنی اعلام کرده است که بازگرداندن قطعه‌نامه‌های ایران از سوی کشورهای اروپایی، به معنی حذف آن‌ها از روند دیپلماتیک است.

رحمن قهرمانپور، تحلیلگر حوزه سیاست خارجی در این باره نوشت: «ظاهر تمدید مکانیسم ماشه جدی شده است. اروپا هم در این تمدید ذی‌نفع

گزارش

قطع رابطه با یک کشور برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم

استرالیا با فشار اسرائیل در ها را روی ایران بست

در پی خواهد داشت. این تحول تازه‌ای است و همکاران من مشغول بررسی موضوع و تصمیم‌گیری درباره نحوه پاسخ جمهوری اسلامی ایران هستند.» اوبا تأکید بر اینکه اتهامی که مطرح شده است، مطلقاً مردود است، خاطرنشان کرد: «اساساً مفهومی تحت عنوان یهودی‌ستیزی، سامی‌ستیزی یا آنتی‌سمیتیسم در فرهنگ، تاریخ و دین ما هیچ جایگاهی ندارد. این موضوع و ایسن پدیده، پدیده‌ای غربی و اروپایی است. اگر به تاریخ بنگرید، از آذیت یهودیان به دلیل دیشنان موضوعی است مربوط به اروپا؛ و آنان باید درباره گذشته تاریخی خود، که تا به امروز نیز ادامه یافته است، پاسخگو باشند. متأسفانه در این زمینه، همواره به فرافکنی روی می‌آورد تا سیاست‌های ضدایرانی خود را توجیه کنند.»
بقایای ادامه داد: «آنچه روشن است این است که این تصمیم به نظر می‌رسد بیش از آنکه ریشه در روابط با ایران داشته باشد، متأثر از تحولات داخلی استرالیا باشد. طی دو هفته گذشته شاهد برگزاری تظاهرات و اعتراض‌های میلیونی در این کشور در انتقاده به کشتار مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی بودیم. این از معدود دفاعاتی بود که برخی از سیاستمداران استرالیایی انتقادهایی را متوجه رژیم صهیونیستی کردند. به نظر می‌رسد اقدام اخیر علیه ایران که در واقع اقدامی علیه دیپلماسی و علیه روابط دولت محسوب می‌شود، در راستای جبران همان اندک انتقادهایی صورت گرفته باشد که طرف استرالیایی در این مدت نسبت به رژیم صهیونیستی مطرح کرده بود.»

▼ پشت پرده اقدامات کانبرا

اتهام‌ها و اقدامات اخیر استرالیا علیه ایران را می‌توان از دو زاویه نگاه کرد. از زاویه نخست، این کشور اخیراً صحنه تظاهرات گسترده مردم در محکومیت جنایات اسرائیل در غزه بود. دولت‌مردان این کشور نیز انتقادهایی از اسرائیل مطرح کرده بودند. حتی این کشور اجازه ورود دو سیاستمدار اسرائیلی را نیز نداده بود که باعث تشنج در روابط کانبرا و تل‌آویو شده بود. با اعلام اینکه استرالیا در نشست ماه سپتامبر مجمع عمومی سازمان ملل، کشور فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت، این تشنج اوج گرفت.

دو هفته قبل و پس از تظاهرات گسترده مردم استرالیا در حمایت از مردم فلسطین، نخست‌وزیر این کشور گفته بود مردم کشورش از دیدن فاجعه انسانی در غزه، منزجر شده‌اند. او اعتراض آمریکا به تصمیم به رسمیت شناختن فلسطین را هم رد کرد. آلبانیز افروز: «وقتی کودکانی را می‌بینید که از گرسنگی می‌میرند، وقتی کودکانی را می‌بینید که جان خود را از دست می‌دهند و

گروه خبر: استرالیا با ادعای دست داشتن ایران در حملات ضدیهودی، سفیر ایران را اخراج و سفارت خود را در تهران تعطیل کرد. به‌رغم تعطیلی نمایندگی‌های دیپلماتیک دو کشور، طبق گفته وزیر خارجه استرالیا، روابط دیپلماتیک با تهران قطع نمی‌شود. این اتهام‌روژ گذشته در جریان نشست خبری سخنگوی وزارت امور خار چه کشور مان پاسخ‌دستگاه دیپلماسی زره‌پرو و مردود اعلام شد. پیش از این، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استرالیا، بدون ارائه شواهدی ایران را متهم کرده بود که صادرکننده دستور دو حمله به کنیسه ملبورن (دسامبر ۲۰۲۴) و رستوران «لوییس کانتیننتال کیچن» در سیدنی (اکتبر ۲۰۲۴) بوده است. بر اساس اعلام نخست‌وزیر استرالیا، سفیر و دیپلمات‌های سفارت ایران در کانبرا، باید ظرف یک هفته خاک این کشور را ترک کنند. او همچنین اعلام کرد که این کشور قصد دارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست گروه‌های تروریستی استرالیا قرار بدهد.

▼ واکنش تند عراقی

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان عصر دیروز با انتشار پستی در شبکه ایکس، واکنش تندی به اظهارات و اقدامات مقام‌های استرالیایی نشان داد. عراقچی نوشت: «من در هیچ موضوعی با جنایتکاران جنگی تحت تعقیب نظر موافق نداشته‌ام، اما نتانیاهاو در یک مورد درست می‌گوید: نخست‌وزیر استرالیا واقعاً یک (سیاستمدار ضعیف) است. ایران میزبان یکی از قدیمی‌ترین جوامع یهودی جهان است که دارای ده‌ها کنیسه هستند. اتهام زدن به ایران مبتی بر حمله به چنین مکان‌هایی در استرالیا، در حالی که مادر کشور خودمان نهایت تلاش‌مان را برای حفاظت از آنها می‌کنیم، کاملاً بی‌معنی است. ظاهراً قرار است ایران بپای حمایت مردم استرالیا از فلسطین را بپیردازد. کانبرا باید بهتر بداند که تلاش برای جلب رضایت رژیم تحت رهبری جنایتکاران جنگی، تنها نتانیاهاو و امثال‌آورا جسورتر خواهد کرد.»

▼ یهودستیزی در دین و فرهنگ ما جایی ندارد

اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت امور خارجه صبح‌روز گذشته و ساعتی پس از اعلام عمومی این خبر، در پاسخ به سوالی راجع به اخراج دیپلمات‌های ایران از استرالیا و اتهام‌های مطرح‌شده از سوی مقامات کانبرا گفت: «به‌طور طبیعی، هر کش نامناسب و ناموجهی در سطح دیپلماتیک، واکنش متقابلی را



پزشکیان: با تغییر از ریخت و پاش‌ها جلوگیری کنیم

افروز: «بایبید کمک کنید تا سازمان‌ها و ادارات را در هم ادغام کنیم و از پشت میزنشستن‌ها و اتاق‌های بزرگ اجتناب کنیم. من دنبال یک صندلی هستم یک گوشه بنشینم چرا آن اتاق بزرگ را برای من درست کردند؟ اگر استفاده از آن اتاق‌ها برای تشریفات اشکالی ندارد. من نیازی به اتاق‌هایی که اینطور درست کردند ندارم. حتماً در اداراتی که شما هستید، از این ریخت و پاش‌ها تا دلتان بخواهد هست. ما می‌توانیم از آن جلوگیری و تغییر ایجاد کنیم.»

مقامات

گروه خبر: مسعود پزشکیان با حضور در بیستمین جشنواره شهید رجایی و مراسم اختتامیه عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور خواستار تغییر و ادغام ادارات شد. او در این باره گفت: «شما مدیران باید به فکر این باشید که برای جامع و کشور کاری انجام دهید. می‌توانید کارهای بسیاری انجام دهید کافی است که باور کنید. باید زحمت و بی‌خوابی بکشید و مشکلات را تحمل کنید تا به هدف برسید.» او با تأکید بر اینکه باید یاد بگیریم این تغییر ایجاد شود،

ادامه سر مقاله

اما نکته خبر ساز صحبت‌های دیروز وزیر، توضیحاتی بود که در باره یکی از فیلم‌های توقیفی داد و در باره دلیل ادامه توقیف آن در دولت چهاردهم گفت: «فریماف رجایی در فیلم «سرب» یک سکانس [با موه‌ای تراشیده] دارد؛ اما در فیلم «قاتل و وحشی»، در کل زمان فیلم این حالت وجود دارد. در شورای پروانه نمایش یک روحانی ناظر داریم؛ معتقد هستند که این مشکل پابر چاست و تا الان مشکل از این زاویه حل نشده است. قاعدتاً مقرراتی برای صدور مجوز نمایش فیلم‌ها وجود دارد که رعایت می‌کنند؛ ولی مسئله ما در باره همین مقررات است. اگر بخواهیم از منظر فقه موجود نگاه کنیم، بسیاری از تولیدات سینمایی ممنوع از نمایش می‌شوند. در نقطه مقابل البته اگر همه این ضوابط هم حذف شوند، طبعاً باید به فیلم‌هایی احتمالی اجازه نمایش داد که در کمتر کشوری به آنها اجازه نمایش داده می‌شود. بنابراین، برای حل مسئله می‌توان به عرف مراجعه کرد. حتی عرف محافظه کارانه هم باشد، مسئله حل می‌شود. قبلاً هم برخی کارگردانان و هنرمندان به دلیل عدم رعایت حجاب در فیلم خود محکومیت‌هایی را داشته‌اند؛ در حالی‌که آن فیلم‌ها هیچ معنای خا ر ج از عرف پذیرفته‌شده نداشته‌اند. اگر فیلم مورد نظر اجازه بخش ندارد، پس آیا باز یگران و